

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۶

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال دوم

- تروریسم در عداد جنایات بین‌المللی: رویکرد دادگاه ویژه لبنان به تعریف تروریسم بین‌المللی
۵
ابراهیم بیگزاده - منا میرزاده
- تأثیر رسانه‌ها بر خشونت‌گرایی و احساس ناامنی
۳۷
علی صفاری - راضیه صابری
- عنصر معنوی جنایت شکنجه با نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
۸۵
مهدی عبدالملکی - سید قاسم زمانی
- حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری
۱۱۷
رجب گلدوست جویباری - مهران ابراهیمی منش
- بررسی تطبیقی کلاهبرداری رایانه‌ای با کلاهبرداری سنتی با نگاه به امنیت تجارت الکترونیکی
۱۳۷
سید حسین طباطبایی
- نقش بزه‌دیده در حقوق کیفری انگلستان
۱۶۱
سید علیرضا میرکمالی





حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری

رجب گلدوست جویباری* - مهران ابراهیمی منش**

چکیده:

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با پیش‌بینی حق برخورداری متهمان و مظنونان از معاضدت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی و تأکید بر حق همراهی وکیل مدافع در این مرحله، عدم اعتبار تحقیقاتی که بدون حضور وکیل مدافع انجام شده است، الزام مقام قضایی به صدور قرار عدم دسترسی وکیل به پرونده، قابل اعتراض بودن این قرار ظرف سه روز، به رسمیت شناختن حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل تسخیری در تحقیقات مقدماتی در جرائمی که مجازات آن سلب حیات و حبس ابد است، تعیین وکیل تسخیری برای اطفال و افراد کمتر از هجده سال و تعیین وکیل تسخیری برای افراد مبتلا به جنون، گام‌های اساسی و رو به جلو در تضمین رعایت حقوق دفاعی مظنونان و متهمان و نیل به دادرسی عادلانه و منصفانه و رعایت وظایف و تکالیف بین‌المللی ایران برداشته است. با این حال همچنان محدودیت‌هایی برای دسترسی متهم به وکیل مدافع منتخب و دسترسی وکیل مدافع به پرونده متهم در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و مواردی که بازپرس دسترسی به پرونده را منافی کشف حقیقت بداند، وجود دارد. مهم‌ترین و بارزترین مورد نادیده گرفته شدن حق برخورداری متهم از وکیل منتخب را در تبصره ماده ۴۸ قانون اصلاحی ۱۳۹۴ است که ایرادهایی از جمله مغایرت با قانون اساسی و اسناد و تکالیف بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر، نادیده گرفتن حق انتخاب افراد به آن وارد است که موجب تضییع حقوق مظنونان و متهمان و همچنین وکلای آنان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

حقوق مظنونان، حقوق متهمان، وکیل مدافع منتخب، وکیل تسخیری.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم پذیرفته شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع منتخب در مرحله دادرسی است. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ بر اساس ماده ۱۲۸ و تبصره آن و تبصره ماده ۱۸۶ این قانون محدودیت‌های فراوانی در برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل مدافع منتخب وجود داشت. با وجود تلاش‌هایی که در اصلاح این مواد انجام شد، نتیجه‌ای در مدت حدود ۱۶ سال لازم الاجرا بودن این قانون حاصل نشد و در این مدت این حق قانونی مظنونان و متهمان در معرض تحدیدات فراوانی قرار داشت. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این امید وجود داشت تا قانونگذار چاره‌ای برای حل این محدودیت‌ها بیندیشد. پس از کش و قوس‌های فراوانی که در مورد لازم‌الاجرا شدن این قانون در کشور به وجود آمد، نتیجه این شد که لایحه اصلاحی این قانون قبل از اجرایی شدن آن دوباره به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شود و یکی از مواردی که در لایحه اصلاحیه قانون مورد بررسی قرار گرفت حق برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل مدافع منتخب بود.

این مقاله در تلاش است در همه قوانین ایران از جمله قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۳۵ که حق برخورداری متهمان در برخورداری از معاضدت وکیل مدافع منتخب در مرحله تحقیقات مقدماتی را برای اولین بار به رسمیت شناخته است، تا تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۴، میزان برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل مدافع منتخب در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد ضابطان دادگستری و مقام قضایی را مورد نقد و بررسی قرار دهد تا روشن شود چه محدودیت‌هایی بر حق قانونی مظنونان و متهمان وارد بوده است. پس از آن مواد مرتبط با این حق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۴ مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت تا روشن شود قانونگذار ایران پس از چندین دهه از به رسمیت شناختن حضور وکیل مدافع منتخب در مرحله تحقیقات مقدماتی چه گام‌هایی برای برخورداری مظنونان و متهمان از این حق به جلو برداشته است و چه محدودیت‌هایی برای این حق همچنان قائل شده است. همچنین در مورد حضور وکیل مدافع تسخیری در قوانین ایران چه اقداماتی صورت گرفته است.

قوانین ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ محدودیت‌های

فراوانی برای حق برخورداری مظلونان و متهمان از معاضدت وکیل مدافع ایجاد نموده بود و حق تعیین وکیل تسخیری برای این افراد نیز در این مرحله در قوانین سابق ایران سابقه قانونگذاری ندارد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر تأیید حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی و تأکید بر حق همراهی وکیل مدافع با متهم در این مرحله، گام‌های اساسی رو به جلو برداشته است. حق تعیین وکیل تسخیری نیز در این قانون برای اولین بار برای مظلونان و متهمان به رسمیت شناخته شده است. با این حال، همچنان محدودیت‌هایی برای دسترسی متهم به وکیل مدافع منتخب و دسترسی وکیل مدافع به پرونده متهم وجود دارد. اما مهم‌ترین و بارزترین مورد مغایر با حقوق دفاعی متهم را در تبصره ماده ۴۸ قانون اصلاحی ۱۳۹۴ پیش‌بینی شده که ایرادهای فراوانی از جمله مغایرت با قانون اساسی و اسناد و تکالیف بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر، مغایرت با حق انتخاب افراد جامعه به آن وارد است که موجب تضییع حقوق مظلونان و متهمان و همچنین وکلای آنان خواهد شد.

۱- حق انتخاب وکیل و حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در اسناد

حقوق بشری

تحقیقات مقدماتی در نظام‌های دادرسی کیفری مختلط که بر اساس اصول حاکم بر نظام تفتیشی (سری، غیرترافعی و کتبی) سامان می‌یابد، تقابل نابرابر دو هم‌اورد است که در یک‌سو تشکیلاتی گسترده و دارای همه اقتدارات و اختیارات در جمع‌آوری دلایل، با استفاده از گروهی متخصص و آگاه به ظرافت‌های تحقیق و بازجویی و در سوی دیگر فردی تنها و بدون آگاهی از حقوق خود و ظرافت‌های امر تحقیق و قضا که حتی گاه ناآگاهانه و به خیال دفاع مثبت از خویش، مطلبی کاملاً به زیان خود بیان می‌کند، نتیجه چنین تقابلی از پیش معلوم است. همراه داشتن وکیل مدافع منتخب می‌تواند این نابرابری را تا اندازه‌ای جبران کند.^۱

آقای دکتر آشوری تردیدهای موجود در طول تاریخ در خصوص اهمیت و استفاده از معاضدت وکیل مدافع در خلال تحقیقات مقدماتی و سیر تحولات بعدی در نظام‌های ملی کشورها را به چند مرحله تقسیم کرده‌اند: مرحله اول حق مزبور تجویز شده تا وکیل بتواند

^۱ مظاهری، «مفهوم مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی»، ۲۴۳.

همراه متهم باشد. مرحله دوم، دوره‌ای که برای نظام‌های قضایی تکلیف قانونی تلقی شده که حق داشتن وکیل را به متهم منعکس کنند. در مرحله سوم برای متهمان تهیدست، تعیین وکیل تسخیری به رسمیت شناخته شده است و در نهایت دوره‌ای که پرونده‌های اتهامی قبل از هر تحقیق در اختیار وکیل قرار می‌گیرد.^۲

در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر ضرورت این حق مظنونان و متهمان تأکید شده است بدین توضیح که وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع متهم و ارتباط با وکیل منتخب، اعلام داشتن به متهم که حق دارد شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که عدالت اقتضا می‌نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین شود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت، موارد فوق از جمله حقوقی است که در این سند بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

در ماده ۶ سال ۱۹۵۰ پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ بر حق داشتن زمان و تسهیلات لازم برای دفاع، دفاع از خود شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب و حق همراه داشتن وکیل تسخیری برای اشخاص فاقد توانایی پرداخت حق الوکاله به رسمیت شناخته شده است. در مورد داشتن زمان و تسهیلات کافی برای تدارک دفاع این‌گونه استدلال شده است که در صورت فقدان امکانات دفاع برای متهم در مقر پلیس، منجر به نقض حق تدارک دفاع خواهد شد.^۳

مدت زمان لازم و تسهیلات مناسب برای دفاع به مسائلی همچون نوع و ماهیت اتهام، پیچیدگی اتهام و دلایل توجه آن، شمار اتهامات وارده و اینکه آیا متهم خود شخصاً به دفاع می‌پردازد یا از طریق وکیل مبادرت به دفاع می‌نماید، بستگی دارد.^۴

همچنین ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ مصوب ۱۹۴۹ در مواد ۹۹ و ۱۰۵ قرارداد در مورد معامله با اسیران جنگی نیز کمک گرفتن از یک وکیل مدافع منتخب را مورد تأیید و تأکید قرار داده است. همچنین طبق ماده ۹۳ توصیه‌نامه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره قواعد حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان ژنو ۱۹۵۷ به متهم بازداشت شده امکان داده می‌شود که برابر قانون

^۲ آشوری، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری»، ۵۲.

^۳ Pelowden & Kerrigan, *Advocacy and Human Rights*, 254.

^۴ امیدی، «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر»، ۵۶.

برای خود وکیل مدافع تعیین کند.

مواد و اصول اسناد حقوق بشری فوق‌الذکر همگی به اتفاق وقتی سخن از وکیل و حق همراه داشتن وکیل توسط متهم را بیان داشته‌اند از عبارت «وکیل منتخب» استفاده نموده‌اند و سپس حق همراهی وکیل و تسهیلات کافی برای دفاع را بیان داشته‌اند. بنابراین نتیجه‌ای که از بررسی اسناد حقوق بشری می‌توان گرفت این است که بدیهی‌ترین حق متهم در برخورداری از معاضدت حقوقی، استفاده از وکیل منتخب متهم است و حق انتخاب وکیل توسط متهم به صورت صریح در تمامی اسناد حقوق بشری تصریح شده است و سپس صحبت از حق همراهی وکیل و دفاع از متهم توسط وکیل شده است. بنابراین، بر اساس اسناد حقوق بشری انتخاب وکیل توسط متهم و حق انتخاب وی امری نیست که قابل نادیده گرفتن باشد.

۲- حق برخورداری از وکیل منتخب تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲

نخستین بار در ایران به موجب تبصره‌ای که به ماده ۱۱۲ آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۳۵ اضافه شد، دخالت وکیل در تحقیقات مقدماتی جنبه قانونی به خود گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این مهم مدنظر قانونگذار قرار گرفت. بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. بنابراین این اصل حق انتخاب وکیل در همه دادگاه‌ها برای طرفین دعوا و تعیین وکیل تسخیری در مرحله دادگاه را به رسمیت شناخته است. همچنین ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا را به رسمیت شناخت و کلیه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند را به پذیرش وکیل مکلف نمود. حتی تبصره ۲^۵ این مصوبه تخلف دادگاه از شناسایی حق بهره‌مندی متهم از معاضدت قضایی وکیل را علاوه بر تخلف انتظامی،

^۵ تبصره ۲ این ماده واحده مقرر می‌دارد: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد.»

حکم صادره را فاقد وجهت قانونی دانسته است.

سرانجام ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن حق متهم در امکان استفاده از معاضدت قضایی و کیل را در طول تحقیقات مقدماتی توأم با تحدیدات و تضییقاتی به رسمیت شناخت. ایرادات وارده به ماده مذکور را می‌توان به ترتیب زیر مطرح نمود: هرچند صرف حضور وکیل مدافع در جریان تحقیقات مقدماتی می‌توانست تضمین‌کننده بسیاری از حقوق متهم باشد لکن اینکه وکیل هیچ‌گونه حق دخالتی از جمله مشاوره با متهم حین انجام بازپرسی نداشت، نمی‌توانست هدف عدالت کیفری از لزوم حضور و دخالت وکیل مدافع در دادرسی کیفری را تأمین کند و همچنین وکیل در مقام وکالت، متهم نیست که احتمال ایجاد فساد بر او مترتب باشد، به خصوص وقتی تشخیص محرمانه بودن یا فساد بر عهده مرجع قضایی است، این تبصره با فلسفه آزادی دفاع متهم ناسازگاری داشت.^۶

در ماده مزبور ضمانت اجرایی برای استنکاف قاضی از پذیرفتن وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی در نظر گرفته نشده بود بلکه به او حق داده شده بود که در صورت صلاح‌دید و تمایل، مانع حضور وکیل مدافع در جلسات تحقیق گردد و هیچ وظیفه‌ای نیز در خصوص توجیه مدلل و مستدل تصمیم خود در محروم ساختن متهم از حق دفاع خود نداشته و تصمیم وی نیز قابل تجدید نظرخواهی نبود.^۷

امروزه در جهان با پیشرفت‌هایی که در اصول دادرسی‌های کیفری به وجود آمده است به متهمان اجازه می‌دهند تا در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز از حضور وکیل مدافع بهره‌مند شوند، بر همین اساس نقد و ایرادات جدی به تبصره‌های ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ و اثر آن در روند اجرای عدالت وارد بوده است.^۸

حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی، با تشخیص و اراده قاضی مسلماً جزء اضرار به حق دفاع و ممانعت از برگزاری یک دادرسی عادلانه نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت، قانون مذکور گامی مهم اما به عقب برداشته بود و در جهت هرچه بیشتر سرّی کردن تحقیقات مقدماتی و افزون بر جنبه تقنینی آن، ضمن افزایش هرچه بیشتر اختیارات قضاتی که عهده‌دار امر

^۶ زراعت، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی، ۴۰۲.

^۷ آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ۴۲.

^۸ آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۲۷۰.

تحقیق می‌شوند، متهم را از حقوقی که طی نیم قرن از آن بهره‌مند بوده، محروم نموده بود.^۹ با وجود این تبصره تقریباً کلیه موارد حضور وکیل در مرحله تحقیق بستگی به تشخیص قاضی داشت. قاضی می‌توانست تحت سه عنوان، محرمانه بودن موضوع، فسادانگیزی و در جرائم علیه امنیت کشور وکیل را از حضور در مرحله تحقیق محروم نماید. همچنین برابر تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون یادشده در خصوص جرائم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع می‌ورزید، کلیه مراحل رسیدگی بدون حضور وکیل انجام می‌گرفت ولو اینکه مجازات عمل ارتكابی قصاص نفس، اعدام، رجم و یا حبس ابد می‌بود.

در کشور ما زنای محصن و محصنه و لواط و زنای به عنف و زنا با محارم نسبی و زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمه از مصادیق بارز جرائم منافی عفت به شمار می‌آید و برای آنها کیفر اعدام مقرر است. دادسراها و دادگاه‌ها نیز با حضور وکلای مدافع در قلمرو این نوع جرائم نظر مساعد ندارند. اگر استدلال قانونگذار بر تأکید شارع مقدس اسلام بر حرمت اشاعه فحشا و مفساد اجتماعی و لزوم جلوگیری از آن است، حفظ جان افراد و جلوگیری از ریختن ناحق خون شهروندان در اسلام مورد تأکید بیشتر قرار گرفته و در اولویت است. اگر متهمی نتواند از خود به درستی دفاع کند و یا در اثر شرم و کم‌رویی دفاعیات خود را به خوبی عرضه نکند و وکیل مدافع هم نداشته باشد و محکوم به اعدام گردد، عدالت پایمال شده است. حال که خود متهم، وکیل به دادگاه معرفی می‌کند چرا دادگاه باید بتواند به بهانه‌های عدیده از پذیرش آن امتناع ورزد. این امر خلاف صریح قانون اساسی و مغایر آشکار با حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر مذکور در اسناد سازمان ملل متحد و سایر اسناد حقوق بشری است.

با وجود ابهامات و نواقص و ایرادات وارده بر ماده ۱۲۸ و تبصره آن که فوقاً اشاره شد، سرانجام مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۴ طرح اصلاح ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ را به تصویب رسانید لکن شورای نگهبان ایراداتی بر آن وارد نمود و ماده واحده مزبور به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و مجمع مزبور نیز متأسفانه از اصلاح قانون مزبور خودداری کرد.

بند سوم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ نیز تنها وظیفه فراهم نمودن فرصت استفاده از وکیل را بر عهده مقام قضایی گذاشته است و

^۹ آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۵۳.

نتوانست در رفع ابهامات ماده ۱۲۸ و تبصره آن و به بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی کمکی کند.

۳- حق انتخاب وکیل و حق برخورداری از معاضدت وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

با وجود ابهامات، نواقص و ایرادات مذکور در فوق که باعث تضییع حقوق مظنونان و متهمان می‌شود، این امید وجود داشت تا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این ابهامات و نواقص تضییع‌کننده حقوق مظنونان و متهمان را برطرف نماید.

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ملاقات وکیل با فرد تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیس و ضابطان دادگستری را به رسمیت شناخته است. حضور وکیل در این مرحله در قوانین کیفری ایران مسبوق به سابقه نبوده است و قانون آیین دادرسی کیفری برای اولین بار برای فرد «تحت نظر» این حق را به رسمیت شناخته است. این امر گامی اساسی به جلو برای رعایت حقوق افراد تحت نظر به شمار می‌رود.

به استناد صدر ماده مزبور «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید.» این عبارت هیچ الزام و تکلیفی برای ضابطان دادگستری برای اعلام این حق به فرد تحت نظر ایجاد نمی‌کند ولی با توجه به ماده ۶ و ماده ۵۲ این قانون ضابطان دادگستری مکلفند حقوق فرد تحت نظر را به وی تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده نمایند و عدم اجرای این تکالیف به استناد ماده ۶۳ این قانون موجب محکومیت ضابطان به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

حضور وکیل در این مرحله با محدودیت‌هایی مواجه است. از جمله این که ملاقات با فرد تحت نظر باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات انجام شود. این دیدگاه همچنان در مورد جرائم منافی عفت، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و ... محدودیت‌های حق برخورداری فرد تحت نظر از همراهی وکیل منتخب کمافی‌السابق پابرجاست.

همچنین نزد ضابطان دادگستری مدت زمان ملاقات وکیل با شخص متهم نباید بیش از یک ساعت باشد. آنچه در ماده ۴۸ موضوعیت دارد، حضور وکیل مدافع و ملاقات وی با

شخص تحت نظر است، نه حضور و ملاقات وکیل با متهم.^{۱۰} با این حال قانونگذار در صدر این ماده با شناسایی حق تقاضای وکیل و ملاقات با وی با توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات از عبارت «فرد تحت نظر» استفاده نموده است و در بیان مدت زمان ملاقات از عبارت «متهم» استفاده نموده است. وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. بنابراین وکیل در تحقیقات و زمان بازجویی از فرد تحت نظر، حق حضور ندارد. همچنین حق دفاع از وی را هم در این مرحله ندارد و صرفاً ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه می‌نماید. بنابراین حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیس در حد ملاقات با فرد تحت نظر و ارائه ملاحظات خود از یک ساعت ملاقاتی که با فرد تحت نظر داشته است، برای درج در پرونده خلاصه می‌شود.

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آن مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کنند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.»

در مورد قلمرو ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن لازم به ذکر است که حکم صدر ماده و محدودیت‌های آن و حکم تبصره آن کاملاً با هم متفاوت می‌باشد. صدر این ماده مختص مرحله تحت نظر و تحقیقات ضابطان دادگستری است و حق تقاضای ملاقات با وکیل توسط فرد تحت نظر و محدودیت‌های آن را بیان داشته است و تبصره ماده مزبور با به کار بردن عبارت عام «مرحله تحقیقات مقدماتی» مربوط به اقداماتی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی انجام می‌گیرد که علاوه بر تحقیقات ضابطان دادگستری، کلیه تحقیقاتی که در مرحله دادرسی انجام می‌گیرد را نیز شامل می‌شود. این گسترش محدوده و عدم سختیت بین صدر ماده و تبصره آن که در اصلاحات سال ۱۳۹۴ به عمل آمده است، قابل ایراد به نظر می‌رسد.

ایراد دیگر وارد به تبصره مزبور مغایرت آن با قانون اساسی است. اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاه‌ها حق انتخاب وکیل را برای طرفین دعوا به رسمیت شناخته است. بنابراین بر اساس این اصل طرفین دعوا حق دارند وکیل خود را انتخاب نمایند. ولی تبصره مزبور این

^{۱۰} خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ۶۰

حق ملت را محدود نموده است و افراد را ملزم نموده است تا وکیل خود را از بین وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه انتخاب نمایند. اینکه با وجود مغایرت این تبصره با قانون اساسی چگونه و با چه استدلالی در شورای نگهبان اعلام مغایرت با قانون اساسی نشده است، بسیار جای تأمل است.

بند ۹ اصل سوم قانون اساسی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی را برای ملت به رسمیت شناخته است. هیچ قانون عادی نیز نمی‌تواند حقی که در قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته شده است را محدود نماید. ولی نتیجه‌ای که از تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حاصل خواهد شد این است که موجب تبعیض ناروا بین وکلای دادگستری و از بین بردن امکانات عادلانه برای همه افراد جامعه برای انتخاب وکیل خواهد شد.

بند ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را برای ملت به رسمیت شناخته است. مورد تأیید قرار گرفتن وکلا توسط رئیس قوه قضائیه و الزام مردم به انتخاب وکلایی که مورد تأیید آن مقام باشد چگونه می‌تواند ایجاد امنیت قضایی عادلانه نماید؟!

ایراد دیگر به این تبصره مغایرت با اسناد حقوق بشری و تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده توسط ایران است و همچنین موجب بهانه‌ای برای تبلیغات و اعتراض‌های داخلی و بین‌المللی علیه نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. آن هم در شرایطی که به بهانه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی به نقض حقوق بشر متهم است و قطعنامه‌های متعددی مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است. این تبصره بهانه‌ای برای بهانه جویان است و این امر مخالف منافع و مصالح ملی و بین‌المللی کشور می‌باشد.

یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه استقلال وکیل از قوه قضائیه است. طبق قانون حکم قضات توسط رئیس قوه قضائیه امضاء می‌شود و بر اساس تبصره مزبور وکلا نیز مورد تأیید رئیس قوه قضائیه قرار خواهند گرفت. زمانی که امر قضا و امر دفاع هر دو زیر مجموعه قوه قضائیه باشد چگونه می‌توان بی‌طرفی و عادلانه بودن محاکمه و دادرسی را پذیرفت. آیا آرای صادره در موارد مذکور در تبصره مزبور مورد پذیرش جامعه داخلی و بین‌المللی قرار خواهد گرفت؟!

با وجود این تبصره و به دنبال آن مورد تأیید قرار گرفتن برخی وکلا توسط رئیس قوه

قضائیه و محروم شدن برخی دیگر، حقی برای برخی از وکلا بدون وجود معیار قانونی ایجاد شده است و برخی دیگر از وکلا موجب تبعیض ناروا گردیده و برخی از وکلا را از قبول وکالت چنین پرونده‌هایی محروم می‌کند که این امر مغایرت آشکار با قانون اساسی داشته و به علاوه موجبات دادرسی ناعادلانه را فراهم می‌کند.

مهم‌ترین مسأله در مورد تأیید وکلا توسط رئیس قوه قضائیه این است که چگونه و بر اساس چه معیار و میزانی این تأیید صورت می‌گیرد. چگونه می‌توان وکیلی را که همه مراحل قانونی پذیرش را انجام داده است و دارای پروانه وکالت است و صلاحیت وی مورد تأیید ارگان‌های قانونی قرار گرفته است را از انجام شغل منع نمود و برای عده‌ای دیگر از وکلا با کدام معیار می‌توان ایجاد حق نمود. با فرض وجود معیار و میزانی برای تأیید و عدم تأیید وکلا چگونه رئیس قوه قضائیه می‌تواند چند ده هزار وکیل دادگستری را بر اساس معیار میزان فرضی بسنجد و مورد تأیید یا عدم تأیید قرار دهد.

یکی از دلایلی که برای تصویب این تبصره بیان شده است فرض افشای محتوای برخی پرونده‌ها در جرائم امنیتی است ولی این دلیل قانع کننده به نظر نمی‌رسد زیرا بر اساس ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. چگونه می‌توان این اقدام قانونگذار که در ماده ۱۹۱ مبنی بر دسترسی وکیل به پرونده در جرائم مزبور و در تبصره ماده ۴۸ محروم نمودن افراد از حق انتخاب وکیل را توجیه نمود. اگر این استدلال را با وجود ایرادهای فراوان صحیح فرض نماییم بیان جرائم سازمان یافته در تبصره را چگونه می‌توان توجیه قانونی و منطقی نمود. دلیل دیگر بر رد استدلال فوق مبنی بر تأیید تبصره مذکور اینکه وکیل نیز بر اساس قانون همانند بسیاری از صاحبان مشاغل دیگر موظف به حفظ اسرار شغلی خود است و افشای اسرار شغلی در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده و قابل مجازات می‌باشد. وکیل خاطی به موجب قانون مجازات می‌شود. این امر را نمی‌توان بهانه‌ای بر محروم نمودن برخی از افراد جامعه از حق مشروع و قانونی آنها قرار داد.

اگر با این استدلال که در جرائم مذکور در تبصره ماده ۴۸ وکلا ممکن است از مسیر عدالت خارج شده و موجب تغییر مسیر پرونده از مسیر منتهی به اجرای عدالت شوند، بخواهیم وجود این تبصره را توجیه نماییم، سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که وکیل هم

مانند قاضی و سایر مقام‌های اداری و دولتی و افراد عادی ممکن است از مسیر عدالت خارج شود، آیا راه حل این مسأله را به جای محاکمه و کلاهی متخلف، می‌توان در ایجاد محدودیت در حقوق دفاعی ملت یافت. آیا تاکنون و کلاهی به تغییر مسیر پرونده از مسیر اجرای عدالت محکومیت یافته‌اند. با فرض وجود، این وکلا مگر شمار آنها چقدر است که بتوان تعداد زیادی از وکلا را از قبول چنین پرونده‌هایی محروم کرد؟!

ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ نیز حکمی مشابه با تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری دارد. ایرادهایی که به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری وارد است به این ماده نیز وارد است.

با وجود ایرادهایی که در فوق نسبت به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی بیان گردید، ضروری است قانونگذار برای رفع این محدودیت‌های اساسی که در راستای احقاق حقوق ملت وجود دارد، چاره‌ای بیندیشد.

ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حق داشتن وکیل توسط متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی را به رسمیت شناخته است. حق همراه داشتن وکیل توسط متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق ابلاغ و تفهیم این حق به متهم و قید داشتن این حق در برگ احضاریه برای متهمان جلب شده و ابلاغ به وی، حق کسب اطلاع وکیل متهم از اتهام و دلایل اتهام انتسابی به متهم و حق اظهار مطالبی برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون توسط وکیل متهم در این ماده به رسمیت شناخته شده است. با وجود این ماده بسیاری از ایرادهایی که به قوانین سابق ایران وارد بوده در این ماده برطرف شده است.

ایرادی که به این ماده وارد است «در تعداد وکیلی است که متهم می‌تواند همراه داشته باشد. دلیل اینکه قانونگذار انتخاب یک نفر وکیل را حق متهم دانسته است و اینکه چرا متهم بیش از یک وکیل نمی‌تواند همراه داشته باشد، معلوم نیست.»^{۱۱}

تبصره ۱ ماده مذکور یک قدم به جلو برداشته و سلب حق همراه داشتن وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی را موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته بود. بنابراین به موجب این تبصره ضمانت اجرای سلب حق همراه داشتن وکیل توسط متهم و یا عدم تفهیم این حق به وی مذکور در صدر ماده ۱۹۰، موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته شده است لکن در اصلاحات

^{۱۱} گلدوست جویباری، آیین دادرسی کیفری، ۱۲۳.

سال ۱۳۹۴ ضمانت اجرای این تخلف از سوی قاضی را در حد یک تخلف انتظامی محسوب نموده است.

حق مطالعه پرونده توسط وکیل متهم یکی از مسائلی است که بر اساس قوانین گذشته دادرسی کیفری تکلیف آن روشن نبود و قضات بنا به تشخیص خود در این مورد عمل می نمودند. خوشبختانه به کار بردن عبارت «دفاع از متهم» در ماده فوق‌الذکر به عنوان تکلیف وکیل این مشکل را حل نموده است. چرا که بر اساس قاعده وجوب مقدمه واجب، باید قائل به این نظر شد که لازمه و مقدمه دفاع وکیل از متهم، مطالعه پرونده اتهامی توسط وکیل است، مضافاً اینکه ماده ۱۹۱ مطالعه و دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده توسط وکیل را تصریح نموده است. در واقع اصل بر مطالعه پرونده است و موارد استثنای این اصل را قانونگذار در این ماده بیان نموده است.^{۱۲}

به موجب تبصره ۳ ماده مذکور در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطروحه مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است.

به موجب ماده ۱۹۱ این قانون چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.

در واقع قانونگذار با ضمیمه نمودن تبصره ۳ به ماده ۱۹۰ و تصویب ماده ۱۹۱ برای حقوقی که در ماده ۱۹۰ برای متهم به رسمیت شناخته است، محدودیت‌های فراوانی ایجاد نموده است که برخی از حقوق متهم را تضييع نموده است و به نوعی می‌توان گفت استثناهای مطرح شده در تبصره مذکور و ماده ۱۹۱ اصل حکم ماده ۱۹۰ را در بسیاری از جرائم از بین برده است.

اگر بخواهیم مزایای مواد فوق‌الذکر را نسبت به ماده ۱۲۸ قانون سابق و تبصره آن بسنجیم، بازپرس در صورت وجود یکی از شرایط مذکور در این ماده یا تبصره آن می‌توانست تصمیم به عدم اجازه حضور وکیل در دادسرا دهد و این تصمیم وی تصمیم اداری و غیر قابل

اعتراض و بدون نیاز به ابلاغ به متهم یا وکیل وی بود. اما مواد ۱۹۰، ۱۹۱ قانون جدید گام‌های اساسی همچون الزامی بودن تفهیم حق همراه داشتن وکیل، حضور وکیل در مرحله تحقیق تخلف انتظامی بودن عدم رعایت موارد فوق از سوی قاضی برداشته است. همچنین بازپرس را مکلف نموده است تا قرار عدم دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را صادر نماید. ابلاغ حضوری این قرار به متهم یا وکیل وی الزامی دانسته شده است و از همه مهم‌تر اینکه قرار عدم دسترسی ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه صالح نیز مکلف شده است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری نماید.

در قانون جدید در جرائم منافی عفت محدودیتی برای حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی وجود ندارد، مگر اینکه شرایط صدور قرار عدم دسترسی به پرونده موجود باشد و تنها محدودیت در مورد این جرائم را باید تبصره ماده ۳۵۱ این قانون دانست که دادن تصویر از اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت به متهم یا وکلای وی را ممنوع دانسته است.

اگرچه حقوقدانان منکر گام‌های اساسی رو به جلو در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیستند ولی با نگاهی اجمالی به اختیاراتی که وکیل مدافع در صورت صدور قرار عدم دسترسی به اوراق و اسناد پرونده دارد، می‌توان قائل به این نظر شد که عملاً حضور وکیل بدون آگاهی از اسناد و مدارک موجود در پرونده، آن‌گونه که موجب تضمین حقوق دفاعی متهم و نیل به دادرسی عادلانه در مورد وی باشد کمک اساسی نخواهد کرد. بنابراین نمی‌توان محدودیت‌هایی که برای بهره‌مندی بی‌قیدوشرط متهم از معاضدت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وجود دارد را نادیده گرفته و قائل به این نظر شد که حق بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع به عنوان یکی از اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه تمام و کمال در قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است. بلکه بر عکس در جرائم متعددی همچنان حق برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل مدافع دارای محدودیت‌های جدی است.

۴- حق برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل تسخیری

یکی دیگر از حقوقی که همواره مورد تأیید اسناد بین‌المللی ناظر بر اجرای دادرسی کیفری عادلانه بوده است، حق برخورداری مظنونان و متهمان از معاضدت وکیل تسخیری در مرحله

تحقیقات مقدماتی است.

این حق در اصل ۱۷ از اصول حمایت از حقوق بازداشت‌شدگان به رسمیت شناخته شده است. همچنین اصول متعدّد سند مربوط به دخالت و کلا در دادرسی بر رعایت حقوق متهمان تهیدست برای دسترسی به وکلای تسخیری تأکید نموده است.

تنها کسانی از امتیاز حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌توانند بهره‌مند باشند که به لحاظ تمکن مالی، توان پرداخت حق الوکاله و کلا را دارا باشند. در حالی که از سوی دیگر همواره دادسرا به نمایندگی از شاکی و به نام جامعه به عنوان نهادی متخصص در امر قضایی متصدی تعقیب و درخواست کیفر برای متهم است.

در قوانین کیفری ایران تعیین وکیل تسخیری و لزوم اعطای سلاح‌های برابر (تساوی سلاح‌ها) در راستای اجرای عدالت کیفری عادلانه مطابق مواد ۱۸۶ و ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوّب ۱۳۷۸ فقط در مرحله دادرسی به رسمیت شناخته شده بود. بنابراین در قوانین داخلی ایران تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری تعیین وکیل تسخیری فقط در دادگاه ضروری دانسته شده بود^{۱۳} و حقی برای متهم در برخورداری از معاضدت وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی تعیین نشده بود.

اهمیت حفظ حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و اهمیت این مرحله از دادرسی در تعیین سرنوشت نهایی متهم در مرحله دادرسی، برای حفظ حقوق متهمان کم‌بضاعت و قشر ضعیف جامعه که توانایی پرداخت حق الوکاله را جهت برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی ندارند و با وجود عدم توانایی حقوقی کافی متهمان در جهت دفاع از خود در مرحله تحقیقات مقدماتی و توجه به این امر که عدم استفاده از وکیل مدافع توسط متهمان تهیدست حتی ممکن است منتج به محکومیت افراد بی‌گناه زیادی گردد، ضروری به نظر می‌رسید.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ لزوم تعیین و چگونگی تعیین وکیل تسخیری را در مرحله تحقیقات مقدماتی و در جرائم مهم برای اولین بار به رسمیت شناخته است و گامی اساسی در رفع این نقص قانونی به جلو برداشته است. بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد باشد، چنانچه

^{۱۳} در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ به تعیین وکیل تسخیری در مرحله رسیدگی و در دادگاه پرداخته است و این حق را در این مرحله به رسمیت شناخته است.

متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند. این امر گامی مهم در جهت حفظ حقوق متهمان تهیدست و همگامی بیشتر قوانین داخلی با اسناد حقوق بشری است.

اگر چه تبصره مذکور این حق را صرفاً برای متهمان جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد می‌باشد، تعیین نموده است با این حال این گام مهم را که در قوانین کیفری بی‌سابقه بوده، باید مغتنم شمرد و امیدوار بود که دامنه استفاده از وکیل تسخیری برای متهمان تهیدست در آینده نه چندان دور گسترش یافته تا هیچ متهمی به خاطر تهیدست و فقیر بودن از حقوق دفاعی خود در تحقیقات مقدماتی محروم نگردد.

مورد دیگری که تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران پذیرفته شده است، مربوط به حقوق اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام موضوع ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری است. بنابراین با توجه به ذکر «دادسرا و دادگاه اطفال و نوجوانان» در متن ماده فوق‌الذکر تعیین وکیل تسخیری برای متهمان اطفال و نوجوانان با حصول شرایط مذکور در این ماده به جزء جرائم تعزیری درجه هفت و هشت الزامی است. قانونگذار در این ماده به ویژگی سن مظنونان و متهمان توجه نموده است و با توجه به حساسیت‌هایی که برای این افراد و چگونگی محاکمه آنان وجود دارد، حق تعیین وکیل تسخیری را برای آنان به رسمیت شناخته است. شناسایی این حق برای اطفال و نوجوانان می‌تواند به رعایت حقوق دفاعی این متهمان و اجرای دادرسی عادلانه و منصفانه در حق این افراد کمک شایانی نماید.

مورد دیگری که تعیین وکیل تسخیری برای مظنونان و متهمان به رسمیت شناخته شده است، برای افراد مبتلا به جنون موضوع تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ است. در واقع ویژگی خاص مبتلا به جنون شدن مظنونان و متهمان در این تبصره باعث شده است تا قانونگذار تعیین وکیل تسخیری را برای این افراد با حصول شرایطی الزامی بداند. با توجه به عبارت عام «جرم» در متن تبصره کلیه جرائم را شامل می‌شود و با توجه به عبارت «تعقیب و دادرسی» در متن تبصره حتی در صورتی که در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز شرایط مذکور در تبصره حاصل شود، تعیین وکیل تسخیری برای متهم مبتلا به جنون الزامی است.

نتیجه

قوانین ایران از سال ۱۳۳۵ که اولین بار حق همراه داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به رسمیت شناخت تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ محدودیت‌های فراوانی برای این حق ایجاد نموده بودند و حق تعیین وکیل تسخیری برای این افراد نیز در این مرحله در قوانین سابق ایران سابقه قانونگذاری ندارد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ علاوه بر تأیید حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی و تأکید بر حق همراهی وکیل مدافع با متهم در این مرحله برای رفع محدودیت‌های قوانین سابق ایران گام‌هایی اساسی به جلو برداشته است. از جمله این موارد، تحقیقاتی که بدون حضور وکیل انجام شود را یک تخلف انتظامی دانسته است، همچنین مقام قضایی را به صدور قرار عدم دسترسی وکیل به پرونده در جرائم مربوط به امنیت کشور و مواردی که دسترسی به پرونده را منافی کشف حقیقت بداند، ملزم نموده است و این قرار را ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح دانسته شده است. همچنین این قانون حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل تسخیری در تحقیقات مقدماتی را در جرائمی که مجازات آن سلب حیات و حبس ابد است، تعیین وکیل تسخیری برای اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمس‌ی و برای افراد مبتلا به جنون تا قبل از صدور حکم قطعی را با حصول شرایطی برای اولین بار در قوانین ایران به رسمیت شناخته است که این موارد، گام‌هایی اساسی رو به جلو در نیل به رعایت حقوق دفاعی مظنونان و متهمان و دادرسی عادلانه و منصفانه و رعایت وظایف و تکالیف بین‌المللی ایران خواهد بود.

با وجود مزایای بسیار این قانون همچنان محدودیت‌هایی برای دسترسی متهم به وکیل مدافع منتخب و دسترسی وکیل مدافع به پرونده متهم در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و مواردی که بازپرس دسترسی به پرونده را منافی کشف حقیقت بداند، وجود دارد.

مهم‌ترین و بارزترین مورد نادیده گرفته شدن حق برخورداری متهم از وکیل منتخب و مغایرت با حقوق دفاعی ملت و انتخاب افراد را باید در تبصره ماده ۴۸ قانون اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ دانست که در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا را ملزم نموده است تا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب نمایند. ایرادهای فراوانی از جمله مغایرت با قانون اساسی،

مغایرت با اسناد حقوق بشری و تکالیف بین‌المللی ایران، مغایرت با حق انتخاب افراد، عدم تعیین ملاک و معیار تأیید و کلاهی دادگستری توسط رئیس قوه قضائیه به آن وارد است و موجب تضییع حقوق مظنونان و متهمان و همچنین و کلاهی آنان خواهد شد.

پیشنهادهای

۱- پیشنهاد می‌شود قانونگذار دامنه تعیین و کیل تسخیری را به سایر جرائم مهم نیز گسترش دهد تا تهیدستی به دلیل عدم توانایی پرداخت حق الوکاله حقوق دفاعی اش ضایع نشود.

۲- پیشنهاد می‌شود قانونگذار یا رویه قضایی در جهت اصلاح تبصره ماده ۴۸ به شکلی که تنها و کلاهی که امر خلاف قانون مرتکب شده و به موجب قانون و دادگاه صالح محکوم شده‌اند، از حضور در این مرحله مهم و حساس محروم شوند و به حقوق قانونی سایر و کلا تعرض نشود.

۳- تا اصلاح تبصره ماده ۴۸ پیشنهاد می‌شود، رئیس قوه قضائیه از اختیارات قانونی خود استفاده نماید و همه و کلاهی که منع قانونی برای اشتغال به و کالت ندارند را مورد تأیید قرار دهد تا نه به حقوق دفاعی ملت تعرضی شود و نه و کیلی از حقوق قانونی خود محروم شود.

۴- با وجود تبصره ماده ۴۸ و در صورت تأیید یا رد و کلا پیشنهاد می‌شود رئیس قوه قضائیه ملاک‌ها و معیارهای قانونی برای تأیید یا عدم تأیید و کلاهی دادگستری و چگونگی گزینش و بررسی این امر که روند سنجش چند هزار و کیل موجود در کشور چگونه است را اعلام نماید تا و کلاهی دادگستری نیز دلایل عدم تأیید و رد خود را بدانند. آگاهی از دلایل محروم شدن از حقوق قانونی افراد بر اساس قوانین اساسی و داخلی کشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر امری الزامی است.

۵- تا تأیید و کلا توسط رئیس قوه قضائیه پیشنهاد می‌شود در مرحله تحقیقات مقدماتی حداقل در جرائم سازمان‌یافته که در سایر قوانین منع قانونی برای حضور و کیل دادگستری وجود ندارد، از حضور و کلاهی دادگستری جلوگیری به عمل نیاید و اصل بر تأیید و کلاهی دادگستری گذاشته شود.

فهرست منابع

- امیدی، جلیل. «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر». *مجله کانون وکلا* ۱۷۱ (۱۳۷۹): ۷۰-۴۳.
- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*، شش جلدی. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- آشوری، محمد. «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری». *مجله مجتمع آموزش عالی* ۳ (۱۳۷۸): ۶۴-۴۷.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*، دو جلدی. تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۹۳.
- زراعت، عباس. *قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی*. تهران: خط سوم، ۱۳۸۳.
- گلدوست جویباری، رجب. *آیین دادرسی کیفری*. تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۹۳.
- مظاهری، امیر مسعود. «مفهوم مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی». *مجله حقوقی دادگستری* ۵۶، ۵۷ (۱۳۸۵): ۲۴۱-۲۵۴.
- Pelowden, Philip & Kevin Kerrigan. *Advocacy and Human Rights*. London: Cavendish Publishing, 2002.

The Right of Suspects and Accused to Lawyer in Compliance with Human Rights Instruments

Rajab Goldoust Jooybari

Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran

Email: r-goldoust@sbu.ac.ir

&

Mehran Ibrahimi Manesh

Master of Criminal Law and Criminology, Law Faculty of Payam Noor University, Tehran

Email: m.ibrahimimanesh@yahoo.com

Abstract

The Criminal Procedure Code 2013, besides confirming the right of accused persons to advocate assistance in elementary investigation, none credit of investigations achieved without advocate, obligation of judicial authority to issue the warrant of non achievement of advocate to case, it's being objectionable in 3 days, recognition of the right of accused to have public defender in elementary investigations in crimes that are punished by death penalty or life imprisonment, assignment of public defender for children and adolescents under 18 years old and assignment of public defender for insane people, has taken basic steps toward regarding defense rights of accused and achieve fair proceeding and accomplishment of Iran international obligations. However, there are still limitations in accused person's accessibility to chosen advocate and his/her accessibility to the case in crimes against national and international security and if the judge, considers accessibility to case contrary to public morals. The most important situation in ignoring accused right to have his/her own advocate is sub paragraph of Art 48 of Reformed Criminal Procedure Code 2015 that is criticized due to some faults including non compliance with Iranian Constitutional Law and international human rights instruments and people's right of choice. Also there are some criticisms in that it leads to violations of accused persons and their advocates' rights.

Keywords: suspected rights, accused rights, defense advocate, and chosen defense advocate, public defender.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. III, No. 2

2015-2

- **Terrorism as an International Crime: Special Tribunal for Lebanon's Approach to Definition of International Terrorism**
Ebrahim BEIGZADEH & Mona MIRZADEH
- **The Effect of the Press on Violence and Feeling Insecure**
Ali SAFFARI & Razieh SABERI
- **Mens Rea of Crime of Torture in Light of International Criminal Court**
Mahdi ABDULMALEKI & Seyed Ghasem ZAMANI
- **The Right of Suspects and Accused to Lawyer in Compliance with Human Rights Instruments**
Rajab GOLDOUST JOOYBARI & Mehran IBRAHIMI MANESH
- **A Comparative Study between Computer Fraud and Traditional Fraud by looking at E-commerce Security**
Seyed Hossein TABATABAEI
- **The Role of Victim in England Criminal Law**
Seyed Alireza MIRKAMALI



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study